

آراستگی‌های ظاهری انسان از منظر روان‌شناسی اجتماعی

آراستگی‌های ظاهری انسان و نحوه پوشش او زمینه و عامل مهمی در جلب توجه افراد به‌شمار می‌آید. در بسیاری از محیط‌ها و خصوصاً در محیط‌های آموزشی و مدارس، توجه به آراستگی‌های ظاهری از عوامل مهم در نشاط آفرینی است. در این میان، توجه به وضعیت ظاهری معلمان و عوامل اجرایی مدرسه از نظر روان‌شناسان اجتماعی عامل مهمی در کارایی پیام‌دهی در محیط‌های آموزشی است. با توجه به نگرش نظام‌وار به کلاس درس، بدین معنا که تمام اجزای نظام با هم در ارتباطند و تأثیر متقابل دارند؛ قطعاً رنگ‌ها هم در ساختار مدرسه، جایگاه خاص خود را دارند که از جمله باید به رنگ پوشش معلم توجه کرد. «در تمام مدتی که معلم در مدرسه یا کلاس حضور دارد، لباسش نوازشگر چشمان دانش‌آموزان است و به‌گونه‌ای غیرمستقیم، وی با انتخاب پوشش خود از حیث نوع و رنگ، بر آنان تأثیر می‌گذارد.»

موضوع پوشش هر چند به ظاهر ساده به نظر می‌آید، اما در واقع چنین نیست. برخی معلمان می‌پندارند که باید تنها به لحاظ علمی و اخلاقی آراسته و توانمند باشند و توجه به ظاهر، از جمله رعایت شأن معلمی در پوشش و پیرایش، اهمیت چندانی ندارد. این پندار مسلماً اشتباه است. تجربه نشان می‌دهد که دانش‌آموزان درباره پوشش معلمان خود دقت و موشکافی خاص دارند و اگر معلمی ظاهری ژولیده و نامرتب داشته باشد، از او تأثیر چندانی نمی‌پذیرند. راستی چگونه معلم می‌تواند تأکید دین بر پاکی و طهارت را گوشزد کند، اما خود به لحاظ ظاهری، ناآراسته و ژولیده‌پوش باشد! همان‌طور که آراستگی باطنی معلم می‌تواند در جذب دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد، آراستگی ظاهری نیز بر جلب توجه فراگیرنده خواهد افزود. معلمان باید رنگ و مدل مناسب و تمیزی در پوشش را مراعات کنند. وقتی هم بحث درباره پوشش است بیشتر توجه‌ها تقریباً به دو چیز است؛ یکی رنگ و دیگری مدل لباس.

پوشش معلمان

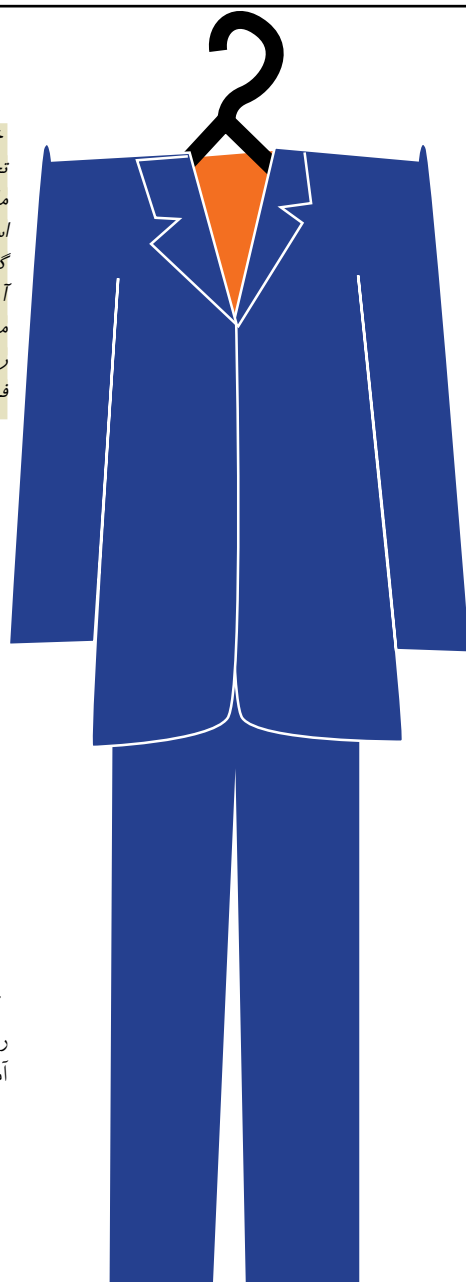
وزمینه‌های روان‌شناختی آن

ساکار شیرزاد

رنگ‌ها در روایات دینی

رنگ‌ها عکس‌العمل‌های متفاوتی را در افراد بر می‌انگیزند، همان‌گونه که رنگ‌های تیره و کدر سبب خستگی روحی انسان می‌شوند، رنگ‌های روشن نیز علاوه بر نقشی که در بحث بهداشت، سرما، گرما و غیره دارند سبب انبساط خاطر می‌شوند و برای انسان شادی آفرین‌اند، ولی متأسفانه رنگ‌های تیره در میان ما بیشتر مرسوم است و در مقابل، سایر رنگ‌ها که عمدتاً تقریباً رنگ‌های شادی محسوب می‌شوند و در شاداب‌سازی فضاهای آموزشی تأثیرگذارند، مورد توجه قرار نمی‌گیرند. نشانه‌های آن در پوشش و نگرش عامه مردم نیز نمایان است. شایان ذکر است که به خاطر تأثیر ویژه رنگ سفید، تمامی افرادی که به‌گونه‌ای با حرفه پزشکی یا بیماران سروکار دارند، ملزم به انتخاب رنگ سفید برای لباس خود هستند، زیرا مشاهده این رنگ برای بیماران و ناامیدان مغرور و دل‌گشاست. علاوه بر آن، استفاده از رنگ سفید مورد توجه و تأکید پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان دینی نیز بوده است. بیشتر جامه‌های پیامبر سفید بود و آن حضرت خود می‌فرمود: لباس سفید را بر زندگانتان بپوشانید و مردگانتان را هم با پارچه سفید کفن کنید! علاوه بر رنگ سفید، رنگ‌های روشن زرد و سبز نیز توصیه شده‌اند در حالی که استفاده از رنگ سیاه از سوی پیشوایان دینی مؤکداً مکروه و مطرود اعلام شده است.^۱ و دکتر دادخواه در این رابطه بیان می‌کند «استفاده از رنگ‌های تیره میزان یادگیری را کاهش می‌دهد و در شخصیت فرد تأثیر منفی) بسیاری دارد»

خوانندگان و صاحب‌نظران گرامی، قبل از وارد شدن به بحث، دوست دارم تجسمی از طرز تفکر اقبال‌جامعه دیروز داشته باشم که می‌توان گفت به مانند ریشه‌های یک درخت در اذهان نسل امروز به سختی ریشه دوانده است. با چنین تجسمی ذهن خود را به این معطوف داریم که با وجود گسترش روزافزون دیدگاه‌های مثبت در علم روان‌شناسی (در زمینه مسائل آموزشی، پرورشی و اجتماعی)، چرا باید دانش‌آموزان و در نهایت دانشجویان ما دچار نوعی تداخل پنهان در نحوه تفکرات خود و تصمیم‌گیری‌های روزمره‌شان باشند. چه بسا علت می‌تواند همان نهادینه نشدن دیدگاه‌های فوق در فرهنگ و یا اصلاً وارد نشدن این موارد به فرهنگ جامعه باشد.



رنگ‌ها در علم روان‌شناسی

از دیدگاه متخصصان روان‌شناس تنوع رنگ با نشاط و شادابی رابطه مستقیم دارد و موجب می‌شود هیجانات کودکان، نوجوانان و جوانان، به طور منطقی بروز کند. دکتر لیلیا حیدری نسب، روان‌شناس و استادیار دانشگاه الزهراء، از رنگ به عنوان ابزاری ارتباطی یاد می‌کند. وی می‌گوید: «رنگ معنا و مفهوم زیادی دارد که با رگه‌های شخصیتی افراد در آمیخته است... رنگ لباس و محیط باید با نوع هدفی متناسب باشد که دنبال می‌کنیم»

باتوجه به تحقیقات انجام شده در علم روان شناسی، نخستین مرحله یادگیری، دریافت دانش یا داده های محیطی از طریق گیرنده های حسی است. تنوع رنگ موجب افزایش داده های انتقال یافته به مغز می شود و در نتیجه قدرت ادراک مغز را افزایش می دهد. رنگ ها با قرار گرفتن در دو گروه گرم و سرد، هر یک ویژگی های خاصی دارند. افزایش جنب و جوش، شادابی و سرزندگی، دعوت به حرکت و در نتیجه افزایش قدرت یادگیری، از ویژگی های رنگ های گرم است؛ در مقابل، رنگ های سرد باعث احساس تمایل به سکون و آرامش می شوند و دانش آموزان را از تحرک باز می دارند و به خیال بافی و در خود فرو رفتن دعوت می کنند. البته لازم به ذکر است که از هر دو گروه رنگ ها به تناسب موقعیت و گاه به صورت ترکیبی باید در فضاهای آموزشی بهره گرفت. بنابراین، نباید صرفاً از رنگ های خاصی براساس سلیقه های شخصی و بدون توجه به یافته های جدید روان شناسی، در هر موقعیتی در هر فضای آموزشی استفاده کرد.

جالب است بدانیم، یکی از موضوعات به اثبات رسیده در علم روان شناسی این است که هر نوع رنگی در لباس، اثراتی در خود شخص و بینندگان او ایجاد می کند و این خود می تواند از منظری دیگر نشان دهنده نوع شخصیت و روحیه صاحب آن باشد؛ همین طور نوع لباس نیز می تواند بیانگر نوع افکار و عقاید وی باشد. در باره این مهم، از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که: من تشبه یقوم اوشک ان یكون منهم؛ هر کس به گروهی تشبه پیدا کند، نزدیک است که از آنان به شمار آید.

گفتار پایانی...

دانش آموزان، خصوصاً در دوره دبستان، بیشتر به دنبال جاذبه های ظاهری هستند و احساس آن ها بر منطقشان غلبه دارد. بنابراین، معلمی موفق تر خواهد بود که ابتدا رابطه ای عاطفی و قوی با دانش آموزان برقرار کند تا بتواند آنچه را که نیاز است به آنان منتقل سازد. دانش آموزان نیز با کسی رابطه خوبی برقرار می کنند که جذابیت خاصی برای شان داشته باشد؛ به ویژه از نظر آراستگی ظاهری که مورد بحث ماست. این جاست که یادگیری دانش آموزان با علاقه مندی همراه خواهد بود و نتیجه بهتری در پی خواهد داشت. در این باره می توان نگاهی داشت به دیدگاه دکتر علی اکبر شعاری نژاد که می گوید: «یکی از ویژگی های معلم جذاب این است که خوش ظاهر و خوش لباس باشد و البته به گونه ای خود را نیاراید که جلب توجه کند؛ در مقابل از ویژگی های معلم بی جاذبه این است که در وضع ظاهری خود نقایصی دارد. مثلاً لباس زننده می پوشد.»

به گواه تاریخ، یکی از عوامل مؤثر در موفقیت پیامبر گرامی اسلام در جلب قلوب مردم، خوش بویی و آراستگی ظاهر ایشان بوده است، زیرا انسان ها به طور فطری، آراستگی و زیبایی را دوست دارند.

معلمی که در قیاس با سایرین به لحاظ نحوه پوشش متفاوت و به نوعی متنوع باشد بیشتر می تواند دانش آموزان را به سوی خود جلب کند. به ویژه دانش آموزان ابتدایی، به دلیل سطح فکری خاص خود در این دوره سنی، از ظاهر افراد بیشتر تأثیر می پذیرند و در نتیجه تفکرات چنین معلمانی را نیز بیشتر پذیرا هستند. لازم به ذکر است که منظور از پوشش متفاوت، پوششی است شاد و متنوع که در عین حال خارج از عرف جامعه نیز نباشد.

شاید چنین نگاه و طرز فکری از سوی بعضی ها مورد انتقاد قرار گیرد، چراکه این نگاه یا تفکر، در این زمینه، به ظاهر با تفکرات رایج تا حدی متناقض به نظر می رسد. چون غالباً این گونه در اذهان جای گرفته است که معلم باید پوششی کاملاً ساده و یکنواخت داشته باشد که باعث جلب توجه زیاد دانش آموزان نگردد ولی اگر دقت کرده باشید، صحبت ما قطعاً درباره چنین نحوه پوششی برای مدتی کوتاه نیست، بلکه جهت گیری بحث ما درباره نهادینه شدن چنین پوششی در بطن فرهنگ است، طوری که به مرور حالتی عادی و یکنواخت به خود بگیرد تا جایی که بتوانیم محیط های یادگیری را از حالت رکود و خمودگی خارج کنیم و شاهد تأثیرات مفید و مؤثر بر روح و روان دانش آموزانی باشیم که آتیه سازان جامعه اند.

پی نوشت

۱. حضرت علی (ع): لا یلبسوا السواد فإنه لباس فرعون؛ لباس سیاه نپوشید که آن لباس فرعون است. (بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۴۸).

منابع

۱. بیلر، رابرت (۱۳۸۹). کاربرد روان شناسی در آموزش. ترجمه پروین کدیور، جلد ۲. مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۲. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۸). روان شناسی فرهنگ و تربیت، واقعیت های روان شناختی تربیت و فرهنگ. امیر کبیر، تهران.
۳. دیلمی، حسن بن محمد. أعلام الدین فی صفات المؤمنی (منبع الکترونیکی). مؤسسه آل البیت، قم.
۴. دکتر اصغر دادخواه. روان شناس بالینی. روزنامه ایران، شماره ۱۹۳۳.

